

علم أصول الفقه

۵۶

۸-۱۲-۹۰ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- حال اگر انسانی از ابزاری سالم برخوردار باشد و از آن ابزار درست بهره گیرد و آنها را در حیطه‌ای که برای آن ساخته شده‌اند، به کار بندد، هیچ وقت دچار خطا نمی‌شود.
- پس می‌توان انسانی را فرض کرد که از ابزارهای عادی و متعارف خود استفاده نماید و دچار خطا نشود.
- انبیا تجلی چنین انسان‌هایی هستند.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- به عبارت دیگر از یک سو عقل حکم می‌کند که انبیا باید مصون از خطا باشند، از سوی دیگر امکان مصونیت انسان از خطا حتی در علوم حصولی با ابزارهای متعارف بشری وجود دارد؛ بنابراین اشکالی در پذیرش عصمت علمی انبیا نیست.
- آنچه امکانش برای هر انسانی فراهم است، در انبیا به فعلیت رسیده و به آنها این توانایی را داده که علمی مطابق با واقع داشته باشند و هرگز خطا نکنند.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- شبیه این مطلب را در کارهای خارق العاده‌ی بشری نیز ملاحظه می‌کنیم. به طور مثال برای هر انسانی امکان عقلی قهرمانی و زنه برداری جهان وجود دارد، اما برخی از انسان‌ها بالفعل قهرمان این رشته هستند. کسی که سیصد کیلو را از زمین بر می‌دارد و در بالای سر بر روی دستش نگه می‌دارد، بشر است ولی بشری که این توانایی در او فعلیت یافته است. بهره‌گیری از این توانایی، منافاتی با بشر بودن او ندارد.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- در مورد انبیا نیز، عصمت علمی از خطا، منافاتی با بشر بودنشان ندارد. چرا که عصمت علمی از خطا یک امکان بشری است. ضرورتاً لازم نیست انسان خطا کند تا انسان باشد. امکان عدم خطا در هر انسانی وجود دارد و این امکان در انبیا تحقق عینی یافته است. آنها انسان‌هایی کامل و تام الخلقه هستند. یکی از جهات کامل بودن آنها، برخورداری از ابزار سالم و بدون نقص و بهره‌گیری درست و بهینه از آنها است.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- البته این که متکلمان در علم کلام مسأله‌ی خلقت کامل انبیا را مطرح کردند، به جهت مورد توجه قرار گرفتن آنها توسط مردم بوده است. کسی که نقصی داشته باشد از اقبال مردم بی بهره است.
- اما این مسأله از بعد دیگر هم قابل بررسی است. خلقت تام و کامل، شخص را از خطا مصون می‌دارد و چنین شخصی است که می‌تواند هدف از ارسال رسل را تأمین کند و با حفظ بشر بودن و به کارگیری توانایی‌های بشری، الگوی دیگران گردد.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- بله انبیا به غیر از این ابزار متعارف از وحی نیز برخوردارند و همان طور که در قبل اشاره کردیم، وحی نه تنها موجب اطلاع بشر از اموری شده است که عقل به آنها راهی ندارد، بلکه باعث گردیده رشد عقلانی برای بشر تسهیل شود و سرعت بیشتری بگیرد.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- بسیاری از چیزها که نیاز به وحی و نقل نداشته و عقل می‌توانسته به تنهایی درک کند، از ابتدا توسط انبیا بیان شده است و سر این مطلب تسهیل رشد عقلانی و احتمالاً تصحیح ادراکات عقلی بوده است؛ چیزی که شاید پیش از وقت صرف شده لازم داشت تا به درک آنها نایل آید. مسلماً عقلی که در پرتو وحی تربیت یافته، از کمال و اتقانی برخوردار است که غیر آن، چنین اتقانی ندارد.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- بنا بر استدلالی که از فلاسفه و متکلمان نقل شد انبیاء نه تنها در دریافت و رساندن وحی (که طریقی غیر متعارف است) معصومند، در سایر شؤون زندگی (که ابزارهای متعارف بشری در آن به کار می‌آید) نیز معصومند.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- اگر این استدلال عقلی را بپذیریم و از آن سو، قبول کنیم که:
- اولاً امکان خطا در علم حصولی منافاتی با صدق دایم آن ندارد
- و ثانیاً به کارگیری صحیح ابزارهای سالم همیشه نتیجه‌ای صحیح و مطابق با واقع دارد،
- مسلماً عصمت انبیا ثابت می‌شود.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- دلیل ثبوت عصمت، همان استدلال عقلی است که مستلزم هیچ امر محالی نیست. تنها چیزی که ممکن بود مانع این استدلال باشد، خطا در علوم حصولی بشر است و این مانع نیز با بیانی که داشتیم، مرتفع می‌گردد.

اشکال بر استدلال عقلی و پاسخ آن

- البته ممکن است برخی حل مشکل را در قدرت خداوند جستجو کنند و بگویند: درست است که ابزارهای بشر دچار خطا می‌شوند؛ اما خداوند کاری می‌کند که ابزارهای ادراکی انبیا از خطا در امان باشند. این مطلب از یک سو پذیرش اشکال را موجب می‌شود و از سوی دیگر بیانگر عدم سنخیت ابزارهای ادراکی انبیا و ابزارهای انسان‌های دیگر است.
- این امر را می‌توان به استفاده از ابزار اندازه‌گیری طول برای سنجش وزن تشبیه کرد. اگر برای این که وزنی را اندازه بگیریم، از ابزار اندازه‌گیری طول استفاده کنیم، یا به نتیجه نخواهیم رسید و یا در نتیجه خطا خواهیم کرد.

مصونیت از نسیان

- تا اینجا معلوم گردید که انبیا خطا نمی‌کنند. در مورد نسیان و غفلت نیز بحثی شبیه به همین مطلب را می‌توان ارایه نمود.

مصونیت از نسیان

- نسیان و فراموشی هنگامی رخ می دهد که صورت علمی مخزون در خیال، در حافظه ی انسان باقی نماند.

مصونیت از نسیان

- غفلت نیز به دو شکل قابل تحقق است:
- أ. انسان چیزی را که می دانسته، فراموش کند، که بازگشت آن به نسیان و فراموشی است.
- ب. بر اساس بی توجهی چیزی را که باید بیند یا بشنود یا...، نمی بیند یا نمی شنود و یا... و در نتیجه بدان علم پیدا نمی کند و از آن غافل می شود که این امر به خطا در ابزار های ادراکی بر می گردد.

مصونیت از نسیان

- اما آیا ممکن است یک انسان گرفتار نسیان و غفلت نشود؟ مسلماً بسیار شاهد بوده و هستیم که برخی از انسان‌ها به دلیل حافظه‌ی قوی و دقت زیاد مطالب را فراموش نمی‌کنند و از آن غافل نمی‌شوند، هر چند همه‌ی انسان‌ها از این نعمت بهره‌مند نیستند. پس اگر کسی حافظه‌ای قوی داشته و ابزار ادراکی او بی‌تقص باشد، دچار نسیان و غفلت نمی‌شود. بنابراین امکان عقلی عدم نسیان و غفلت در انسان هست.

مصونیت از نسیان

- اگر این امکان را به آن استدلال عقلی که انبیا را مصون از عصیان و نسیان و خطا می‌شمارد، ضمیمه کنیم، می‌توانیم ثبوت عصمت از نسیان را نیز نتیجه بگیریم. چرا که این عصمت نیز منافاتی با بشر بودن انبیا و الگو بودن آنها برای مردم ندارد.

عصمت اختیاری از گناه

- گاهی عصمت انبیا از عصیان به این شکل تفسیر شده یا می شود که آنها نمی توانند گناه کنند؛ همان گونه که در ملائکه نیز امکان گناه وجود ندارد.

عصمت اختیاری از گناه

- اما این تفسیر، نقش الگویی انبیا را برای بشر (بشری که امکان گناه در او وجود دارد) منتفی می‌سازد.
- همان طور که ملائکه نمی‌توانند الگوی بشر باشند، چون سنخ وجودی‌شان با سنخ بشر تفاوت دارد، انبیا هم با این فرض نمی‌توانند الگوی بشر باشند.

عصمت اختیاری از گناه

- انبیا در صورتی می‌توانند الگو باشند که امکان گناه برایشان فراهم باشد، اما گناه نکنند. یعنی به اختیار خویش از گناه اجتناب نمایند؛ نه به جبر و قهر.
- بنابراین تفسیر صحیح در این زمینه، اجتناب اختیاری آنها از گناه است.

عصمت اختیاری از گناه

- عصمت از گناه در انبیا در واقع به علم و ایمان آنها بازگشت می‌کند. وقتی آنها به حقیقت و آثار گناه واقفند و نسبت به آن علم و معرفت دارند (معرفتی که برای بشر از آن حیث که بشر است، امکان دارد) قهراً از آن اجتناب می‌کنند.

عصمت اختیاری از گناه

- همان طور که انسان مطلع از سمی بودن مایع درون لیوان، از خوردن آن اجتناب می‌نماید، چرا که می‌داند قطره‌ای از آن، هلاکت را در پی دارد. او هر چقدر هم تشنه باشد و اشتیاق به سیراب کردن در او فزونی گیرد، باز به سراغ آن مایع مهلک نخواهد رفت. در مقابل اگر انسان نداند، چه بسا با کوچکترین انگیزه‌ای از آن مایع بنوشد و هلاکت خویش را به دست خود رقم زند.

عصمت اختیاری از گناه

- و البته ممکن است در این فرض نیز نیاز به انگیزه‌ی قوی‌تر داشته باشد تا اقدام به نوشیدن کند مثل آنجا که مایع در ظرفی کثیف با ظاهری نامطلوب قرار داشته باشد. این ظاهر نامطلوب و مشمئز کننده در ابتدا انسان را به سمت خویش نمی‌کشد؛ اما وقتی تشنگی فزونی یافت و عطش طاقت را ربود، بدون توجه به ظاهر کثیف ظرف، از آب درونش می‌آشامد و ندانسته به سرنوشت بدی دچار می‌گردد.

عصمت اختیاری از گناه

- پس گاه انگیزه و میل گناه در انسان به سبب علم به عواقب کار وجود ندارد و گاه چنین نیست و در این صورت هر چه انگیزه و میل به گناه قوی تر شود، شخص را بیشتر به ارتکاب آن وادار می سازد.

عصمت اختیاری از گناه

- انسان‌ها در مقابل گناه با یکدیگر تفاوت دارند. برخی در مقابل گناه بی-باکند و بین گناه و غیر گناه فرق نمی‌گذارند. اینها اصلاً علم و معرفت ندارند یا نسبت به آن بی-توجهند.

عصمت اختیاری از گناه

- آنها که علم و معرفت پیدا می‌کنند، از گناه اجتناب می‌نمایند و هر چقدر این معرفت فزونی یابد، قدرت اجتناب از گناه افزایش پیدا می‌کند تا آنجا که به مرحله‌ی عصمت می‌رسد.

عصمت اختیاری از گناه

- برای همین در فقه بحث عدالت از عصمت جدا شده است.
- عادل کسی است که در برابر مغریات متعارفه (عوامل عادی موجب گناه)، خودش را از گناه حفظ می‌کند.
- حال اگر آنچه شخص را وادار به گناه می‌کند، از حد متعارف خارج شود و به گونه‌ای باشد که این انسان (حتی با فرض عادل بودن) نمی‌تواند در مقابل آن خود را کنترل کند، از عدالت ساقط نمی‌شود. در واقع، عدالت مرتبه‌ی پایین عصمت است. شخص عادل چه بسا ممکن است مرتکب گناه شود، اما در عین حال همچنان صفت عدالت را داشته باشد.

عصمت اختیاری از گناه

- ناگفته نماند که گاه انسان علم به چیزی دارد؛ اما چون ایمان ندارد بر طبق علم خود عمل نمی‌کند. علم و ایمان اگرچه به هم مرتبطند و اولی یعنی علم مقدمه‌ی دومی یعنی ایمان است، اما دو امر جداگانه هستند ضرورتاً این گونه نیست که هر جا علم باشد، ایمان هم باشد.

عصمت اختیاری از گناه

- بسیاری از انسان‌ها مرتکب گناه می‌شوند نه از آن جهت که از عواقب آنها بی‌اطلاعند، بلکه از آن جهت که مؤمن نیستند. انبیا هم می‌دانند و هم به دانسته‌های خود ایمان دارند؛ هم از حقایق اطلاع دارند و هم قلباً دل را متوجه آن کرده‌اند. در نتیجه مرتکب گناه نمی‌شوند.

عصمت اختیاری از گناه

- این مسیر (مسیر علم و ایمان) برای دیگر ابنای بشر نیز باز است و در واقع انبیا در مسیر بشریت به جایی رسیدند که چنین آثاری در آنها پیدا شده است. اگر کسی پای صدقی داشته باشد و مقدمات در او فراهم شود، رسیدن برای او نیز ممکن است.
- از این رو، انبیا همواره مردم را به پیروی از دستوراتشان دعوت کرده‌اند و هرگز از عدم توانایی پیروانشان برای رسیدن به حق سخن نگفته‌اند. راه انبیا، راهی است که هر سالک حقیقت جو باید پیماید.

عصمت اختیاری از گناه

- شاهد بر این مطلب که انبیا به اختیار و اراده‌ی خویش از گناه اجتناب می‌کنند، در تاریخ زندگی آنان بسیار زیاد است و نمونه‌ای از آن، چیزی است که آیه شریفه‌ی «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغ رسالتہ» به آن اشاره می‌کند. قرآن می‌فرماید: ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده (ابلاغ ولایت علی علیه السلام)، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای.

عصمت اختیاری از گناه

- یعنی اگر چنین نکنی تمام این مدت هر چه کردی، همه از بین رفته است. شاهد ما در «لم تفعل» است. اگر امکان انجام ندادن برای پیامبر وجود نداشت و حضرتش مضطر به انجام کار بود، دیگر معنا نداشت خداوند بفرماید: اگر انجام ندهی، رسالت خدا را نرسانده‌ای. مضمون آیه نشان می‌دهد که پیامبر تا آن لحظه‌ی آخر می‌تواند در بزرگ‌ترین مسئولیت الهی عصیان نماید و اگر به مسئولیت خویش عمل می‌کند به اختیار و اراده‌ی خودش است که نتیجه‌ی علم و ایمان او است.

عصمت اختیاری از گناه

- در بحث خودش بیان شده است که عادل در حین ارتکاب جرم، از عدالت ساقط می‌شود، اما اگر بعد از آن باز در مقابل مغریات متعارفه‌ی گناه خود را حفظ کند، همچنان بر صفت عدالت باقی خواهد بود.
- مائده، ۶۷.